

گفت‌وگو با مهدی مسعودشاهی دبیر جشنواره فیلم فجر در سال ۸۸ و ۸۹

سال ۸۸، دستم را به سمت معترضین دراز کردم

علیرضا گرانیپناه

جشنواره سال ۸۸ را با امر و نهی برگزار نکردم

جشنواره ۸۸ را شما بررسی کنید و ماجراهایی که در جشنواره ۸۸ گذشت؛ یعنی ۲۸ و سال بعدش هم ۲۹، به نظر من سابقه ندارد از این نوع مشارکت و همکاری و همدلی بین سینماگران و مسئولین اجرایی. خود این اتفاق بزرگی بود. من با ظرفیت خود سینما وارد جشنواره بیست‌وهشتم شدم. ظرفیت سینما که افرادش آدم‌های صاحب‌نظر، با سابقه، باتجربه، از نظر فنی، تکنولوژی شما بررسی کنید هیچ جشنواره‌ای را شما پیدا نمی‌کنید که مراسم افتتاحیه و اختتامیه آن چنانی داشته باشد. من، عذرخواهی می‌کنم از خودم می‌گویم، اما سال ۸۸ من به خاطر آن سابقه و حسن روابطم با دست‌اندرکاران سینما موفق شدم با خودشان جشنواره را برگزار کردم. من اصلاً به صورت فردی نگاه نکردم که بگویم حرم من همین است و شما هم باید گوش کنید. نه دعوت کردم و همه آمدند. علی‌رغم اینکه خیلی ناراحت شدند از اینکه من دبیر شده بودم. جمله‌ای که یکی از این عزیزان در جلسه خودشان به کار برده بود، گفته بود کاش مسعودشاهی دبیر نمی‌شد که ما لاقط این تصمیمی که گرفتیم را اجرایی می‌کردیم. حالا مسعودشاهی آمده و دستش را به طرف تک‌تک این عزیزان دراز کرده، از کارگردان‌ها، از هنرمندان به هر حال صاحبان سینما، از آن طرف تهیه‌کننده‌ها، یعنی من اصلاً جدان بودم از این مجموعه، به همین دلیل از جنس خودشان آمدم.

هر کسی آمده به نوعی کار قبلی‌ها را تخطئه کرده است

ببینید جشنواره یک جریان عمومی و جریان مشارکت فکرها و اندیشه‌هاست. یعنی چه در تصمیم‌گیری ساختار سستادی‌اش و چه در برگزاری، چون کار فرد نیست، کار محصول یک عده صاحب‌نظر، محصول یک عمری تجربه است. من یک جمله‌ای را آن سال مطرح کردم و گفتم جشنواره شب قدر سینمای ایران است. یعنی اگر شبیه‌سازی کنیم، شب قدر چه اتفاقی می‌افتد؟ نامه اعمال همه را خدا می‌دهد دست هر کسی، سینما هم یک همچین جایگاهی دارد. سینما واقعاً تصمیم‌گیری‌اش مشورت است. من با جماعت دست‌اندرکار سینما هیچ مشکلی

مهم‌ترین تفاوت جشنواره فیلم فجر امسال با سال‌ها گذشته بحران‌های اجتماعی بود که باعث شد خیلی از هنرمندان در حوزه‌های مختلف با جریان رسمی هنری کشور همراهی نکنند یا به نوعی آن را تحریم و نادیده بگیرند. در این مدت فضای هنری کوچک‌ترین حرکت جمعی یا شرکت در هر جشنواره داخلی باعث ایجاد جنجال‌های زیادی می‌شد. عده‌ای زیادی در این چند ماه گذشته تصمیم گرفتند به همین دلیل در جشنواره حضور نداشته باشند. از آن طرف عده‌ای هم بودند که با تحریم جشنواره مخالف بودند و آن را در تناقض با آزادی بیان می‌دانستند؛ نکته‌ای که رضا کیانیان در یکی از گفت‌وگوهایش آن را مطرح کرد و باز مورد هجوم قرار گرفت. امسال اما به نظر می‌رسد مجتبی امینی، دبیر چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر، کار سخت‌تری دارد. اتفاق‌های این چندماه باعث شد سراغ مهدی مسعودشاهی برویم. کسی که در اوج التهابات سال ۸۸ دبیر جشنواره فیلم فجر بود. او همچنین یکی از مدبران با سابقه سینمای کشور است و اولین مدبر عامل بنیاد سینمایی فارابی. مسعودشاهی در این گفت‌وگو مفصل که اینجا به ناچار خلاصه شده است، از برخی فشارهای بیرونی به دبیران جشنواره حرف می‌زند و تنگ‌نظری‌هایی که منجر به نادیده گرفتن تجربه‌های بیش از چهل سال برگزاری جشنواره.

نداشتم. چرا؟ برای اینکه از هم حرف شنوی داشتیم، باهم فکر می‌کردیم، باهم از سال ۵۹ کار کرده بودیم و قبول داشتیم همدیگر را. ولی متأسفانه حالا فرهنگی باب شده که اسمش شده فرهنگ جشنواره‌ای. یعنی خودمان منکوبش می‌کنیم، خودمان از همه ابعاد نمی‌توانیم حمایت و هدایتش کنیم. در نتیجه، دیگران هم این فرصت را پیدا می‌کنند که جشنواره را انگولک کنند. نباید این‌طور جلوه کند که هر دبیری که می‌آید کار قبلی را منکوب کرده. نمی‌خواهم حالا بگویم که فقط دبیر، هر مدبری که در بخش فرهنگ آمده، چه در زبانش چه در عملش، کارهای قبلی‌ها را چه کار کرده؟ تخطئه کرده؛ یعنی به نوعی تأیید نکرده است. هر کسی آمده کار قبلی را گذاشته کنار و خودش شروع کرده و خواسته چرخ را از اول اختراع کند. در صورتی که تجربه‌ها قبلی‌ها قیمتی است. این تجربه‌ها ارزان به دست نیامده. شما ببین در فرهنگ جنگ و جبهه و شهادت‌ها چه تأثیری گذاشت و چه رشدی کرد، ولی در بخش فرهنگ به جای اینکه این تجربه‌ها بیاید و یک فرآیند جدیدی ایجاد کند و تحول ایجاد کند و آن چیزی را که آقا مدنظرش است به عنوان پیوست فرهنگی، یعنی هر کاری که می‌خواهیم بکنیم باید با کمک فرهنگ باشد. خوب اینجاست که

این کار برای هر دبیری که بخواهد بیاید سخت است. می‌ترسد که کدام جناح ممکن است چه بگوید، آن فلانی چه بگوید، بعد ولی اگر این لوکوموتیو را از ابتدا که راه انداختیم، واگن‌های جدید به آن اضافه کنیم و هی برنداریم سروهش کنیم، برش نداریم از بین ببریمش. به همین دلیل من جشنواره بیست‌وهشتم، نمی‌دانم یک صحنه افتتاحیه این‌ها بود که یک قطاری از سمت راست صحنه می‌آید و واگن به واگنش یک دوره جشنواره است و همه دوره‌ها را در واقع توی این قطار نشان دادیم. ما نباید برویم سراغ اینکه لوکوموتیو

